



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۴، صص ۵۷۳-۵۶۰

جغرافیای تاریخی اردبیل (از ورود اسلام تا تأسیس حکومت صفویه)

جعفر آفازاده^{۱*}، مهدی ارحمی^۲

^۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

J.agazadeh@uma.ac.ir

^۱. دانشجوی تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

چکیده

شهر اردبیل جایگاه ویژه‌ای در تحولات ایالت آذربایجان و کشور ایران داشته است. اردبیل در سده‌های اولیه هجری مرکز ایالت آذربایجان بود، به همین خاطر مورد توجه جغرافی دانان جهان اسلام قرار گرفته و آن‌ها به جنبه‌های مختلف جغرافیای تاریخی این شهر اشاره کرده‌اند. مقاله حاضر بر آن است تا جغرافیای تاریخی اردبیل را با استفاده از متون جغرافیایی بر پایه روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای بررسی و تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهر اردبیل یکی از قدیمی‌ترین شهرهای آذربایجان است و نه تنها در دوره‌های پیش از اسلام، بلکه در دوره‌های بعد از اسلام نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای منطقه آذربایجان به حساب می‌آمده و نقش مرکزیت را در این منطقه ایفا می‌کرده است. همچنین با بررسی شرایط طبیعی حاکم بر اردبیل از جمله آب‌وهوا، مشخص گردید که نوع آب‌وهوای غالب در اردبیل که آب‌وهوایی سرد و خشک بوده و این منطقه را به یکی از سردترین نقاط ایران تبدیل کرده بود در کنار موقعیت جغرافیایی بر جنبه‌های مختلف زندگی در این شهر تأثیر گذاشته و نقش مهمی در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر داشت.

واژه‌های کلیدی

اردبیل، آذربایجان، جغرافیای تاریخی، روابط انسانی، موقعیت جغرافیایی.

جغرافیای تاریخی و جنبه‌های مختلف حیات شهرها، از جمله زمینه‌های مطالعات تاریخی هستند که می‌توان آن‌ها را در یک جغرافیای خاص و در ارتباط با جغرافیای تاریخی مناطق مختلف مورد بررسی قرار داد. هرچند خلأ مدارک و اسناد بایگانی در ادوار مهمی از تاریخ ایران، به‌ویژه سده‌های نخستین و میانی تمدن اسلامی به‌وضوح دیده می‌شود و این امر ضعفی مهم در پژوهش‌های جغرافیای تاریخی مناطق مختلف ایران، از جمله اردبیل به شمار می‌رود (آقازاده، ۱۴۰۲: ۳۵۰). شهر اردبیل با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، در اکثر تحولات تاریخی ایران و آذربایجان، به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است؛ از این رو برای درک تحولات تاریخی منطقه شمال غرب ایران، ضروری است تا جغرافیای تاریخی اردبیل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق آذربایجان، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. به گواهی منابع و نوشته‌های تاریخی و همچنین یافته‌های باستان‌شناسی، بنای شهر اردبیل به دوران باستان و حتی پیش‌تر از آن می‌رسد که وجود چنین سابقه تاریخی ایجاب می‌کند تا بررسی و تحلیل جغرافیای تاریخی اردبیل، از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

در خصوص جغرافیای تاریخی اردبیل که همه ابعاد طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را شامل شود، پژوهش‌هایی که صورت گرفته است، معمولاً تاریخ این شهر را از تشکیل حکومت صفویه مورد بررسی قرار داده‌اند و توجه کمتری به تاریخ این شهر در ادوار پیش از صفویان کرده‌اند، این امر نیز طبیعی به نظر می‌رسد؛ چراکه با تأسیس حکومت صفویه در ایران با محوریت شهر اردبیل، اهمیت این شهر بعد از حکومت صفویه بیشتر شده و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص تاریخ و جغرافیای تاریخی اردبیل، معطوف به دوران پس از صفویه شده است. در کنار این موارد، لازم به ذکر است که چون در خصوص جغرافیای تاریخی اردبیل در دوره باستان، منابع مکتوب قابل توجهی در دسترس نیست و جغرافیای تاریخی این شهر در دوره باستان فقط از طریق چند محوطه باستانی قابل شناخت است، بدیهی است که نمی‌توان تحقیقات جامعی در خصوص جغرافیای تاریخی اردبیل در دوره باستان ارائه کرد.

بنابراین با توجه به کمبود یا نبود منابع مکتوب در خصوص جغرافیای باستانی اردبیل و همچنین ازدیاد پژوهش‌های تاریخی در خصوص اردبیل دوره صفوی و دوره‌های بعد از آن، لازم بود پژوهشی صورت گیرد تا جغرافیای تاریخی اردبیل را در دوره زمانی ایران اسلامی تا تأسیس حکومت صفویه در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع جغرافیایی و تاریخی دست‌اول جهان اسلام، در پی آن است که جغرافیای تاریخی اردبیل را از ورود اسلام تا ابتدای حکومت صفویه، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

موضوع جغرافیای تاریخی اردبیل، از جمله مباحثی است که در فعالیت‌های مختلف پژوهشی، کمابیش به صورت‌های مختلفی به آن پرداخته شده است، اما چون بحث جغرافیای تاریخی اردبیل به عنوان موضوع اصلی این مطالعات نبوده است، بنابراین در این قبیل از آثار، اشارات گذرا و پراکنده به آن شده است:

کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ، نوشته بابا صفری (۱۳۷۰)؛ نویسنده در این کتاب، رویدادهای تاریخی اردبیل در دوره‌های مختلف و از جمله مبحث جغرافیای تاریخی اردبیل در دوره ایران اسلامی تا تأسیس حکومت صفوی در ایران را به صورت کلی و بیشتر با محوریت حوادث سیاسی، مورد بررسی قرار داده است و به بسیاری از جنبه‌های مختلف جغرافیای تاریخی اردبیل در این بازه زمانی و جزئیات آن، اشاراتی نشده است.

کتاب سیری در تاریخ کهن شهر اردبیل، نوشته صیاد نوری (۱۳۹۷): نویسنده در کتاب حاضر اگرچه اطلاعات گسترده‌ای از تاریخ اردبیل در دوره ایران اسلامی را به نگارش درآورده است، منتها اکثر این اطلاعات مربوط به تاریخ سیاسی اردبیل می‌باشند و به جنبه‌های دیگری از جمله جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی که در بررسی و تحلیل جغرافیای تاریخی اردبیل مورد نیاز می‌باشند، توجهی نشده است و این سبب می‌شود که درک درستی از تمامی جنبه‌های جغرافیای تاریخی اردبیل به دست نیاید.

مقاله اردبیل شهر مقدس صفویان، نوشته سعید نجفی نژاد (۱۳۹۷): هدف نویسنده در نگارش این مقاله، بررسی و تحلیل تاریخ شهر اردبیل در دوره صفویه بوده است و تنها در ابتدای مقاله به صورتی محدود و گذرا، اشاره‌ای کوتاه به جغرافیای تاریخی اردبیل قبل از دوره صفوی داشته و آن را فقط از جنبه مذهبی و تقدس این شهر مورد بررسی قرار داده است. = چنین بررسی کوتاه و تک جانبه‌ای از جغرافیای تاریخی این شهر در روزگاران پیش از دوره صفوی، نمی‌تواند شناخت و آگاهی دقیق‌تری از این دوران را ارائه دهد.

پایان‌نامه حیات سیاسی و فرهنگی اردبیل از شیخ صفی تا شاه‌تھماسب، نوشته زیبا عظیمیان (۱۳۹۳): نگارنده این پژوهش، فصل دوم پایان‌نامه خود را اختصاص به جغرافیای تاریخی اردبیل داده است و به صورت کلی به بیان مطالبی در خصوص جغرافیای تاریخی اردبیل در دوران پیش از تأسیس حکومت صفویه پرداخته است؛ اما چون این فصل از پایان‌نامه به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای عنوان اصلی پایان‌نامه بوده است، لذا نویسنده به صورت عمیق وارد جزئیات مربوط به این مبحث نشده و سعی کرده است یک دید کلی و اجمالی از جغرافیای تاریخی اردبیل، در دوره قبل از تأسیس حکومت صفوی ارائه دهد.

روش

با توجه به ماهیت موضوع، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شده و نویسنده می‌کوشد با بررسی و تحلیل اطلاعات موجود در منابع جغرافیایی و تاریخی، جغرافیای تاریخی اردبیل را به تصویر بکشد.

بنای شهر اردبیل

در منابع جغرافیایی جهان اسلام، افراد مختلفی به‌عنوان سازنده و بنیان‌گذار اردبیل معرفی شده‌اند؛ یکی از افرادی که از او به‌عنوان بنیان‌گذار شهر اردبیل یاد شده است، فردی به نام فیروز هست که با پسوند و پیشوندهای مختلفی، در این منابع به چشم می‌خورد؛ در کتاب معجم البلدان آمده است که نخستین فردی که شهر اردبیل را بنا کرد فیروز شاه بود که این شهر را «باذان فیروز» نامید و «شاید نسبت این شهر به اردبیل پسر ارمینی پسر لنتی پسر یونان باشد» (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۳). حموی در جای دیگری از کتاب، دوباره این مطلب را متذکر شده و می‌گوید: اردبیل، شهر معروف و مشهور منطقه آذربایجان، توسط فیروز که یکی از نخستین پادشاهان ایرانی می‌باشد ساخته شده است و از این رو نام ابتدایی شهر اردبیل را «باذان فیروز» معرفی می‌کند. (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۰۴). قزوینی هم سازنده اردبیل را فیروز ملک معرفی کرده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹). دینوری نیز معتقد است که فیروز، در آذربایجان شهری می‌سازد و آن را «باد فیروز» نام‌گذاری می‌کند که این شهر همان شهر اردبیل است (دینوری، ۱۳۷۱: ۸۷). طبری روایت مشابهی را ذکر کرده و چنین بیان می‌دارد که فیروز دستور داد تا در آذربایجان شهری ساختند و آن شهر را «شهرام فیروز» نام گذاشت (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۳۰).

از دیگر افرادی که به‌عنوان بنیان‌گذار اردبیل معرفی شده است، کیخسرو بن سیاوش کیانی است که در کتاب نزهةالقلوب به این فرد اشاره شده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸). در یکی دیگر از منابع جغرافیایی، بنای شهر اردبیل به دوران اسحاق نبی رسیده و سازنده آن را فردی به نام «اربول شاه» معرفی می‌کند (ابن العبری، ۱۳۷۷: ۱۶).

موقعیت جغرافیایی اردبیل و جایگاه آن در منطقه آذربایجان

جغرافی دانان برای دسته‌بندی و توصیف هرچه بهتر مناطق جغرافیایی، اقدام به اقلیم‌بندی جهانی کرده‌اند و هر منطقه‌ای را در یک اقلیم قرار داده‌اند که این اقلیم‌بندی‌ها را می‌توان نوعی قاره‌بندی دانست که هر اقلیم دارای مرزهای مخصوص و مناطق شناخته‌شده برای خود است. البته این اقلیم‌بندی‌ها بین همه جغرافیدانان ثابت نبوده است و جغرافیدانان جهان اسلام هر کدام بر اساس نگرش خود اقدام به این کار کرده‌اند. این جغرافیدانان به‌طور معمول اردبیل را در اقلیم چهارم جهانی قرار داده‌اند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸؛ حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸). این

جغرافیدانان، موقعیت اردبیل را با توجه به طول و عرض جغرافیایی ذکر کرده‌اند؛ به قول حموی، اردبیل در طول جغرافیایی هشتاد درجه و عرض جغرافیایی سی و شش درجه و سی و سه دقیقه واقع شده است (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲). در جغرافیای حافظ ابرو نیز طول جغرافیایی اردبیل هفتاد و سه درجه و پنجاه دقیقه و عرض جغرافیایی آن نیز سی و هشت درجه بیان شده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸۹). در کنار بیان موقعیت دقیق جغرافیایی، اصطخری به توصیف وسعت جغرافیایی اردبیل نیز پرداخته و آن را این گونه بیان کرده است: «مقدار دو بهر فرسنگی درازا و پهنا دارد». (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵)

عموم جغرافیدانان جهان اسلام، اردبیل را به‌عنوان یکی از منطقه‌های اصلی آذربایجان دانسته‌اند. اردبیل در کنار مناطقی مانند برزند، ورتان، بردعه، شیز، سره، مرد، تبریز، میانه، ارمیه، خوی و سلماس به‌عنوان یکی از شهرهای مهم آذربایجان معرفی شده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶؛ حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۰). در کتاب اعلاق النفسیه نیز اردبیل را به همراه مناطقی از جمله مرد، باجروان، ورتان و مراغه به‌عنوان یکی از خوره‌های آذربایجان معرفی شده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲). در کتاب الخراج، اردبیل در کنار مرد، جابروان و ورتان، جزو نواحی آذربایجان در نظر گرفته شده است (ابن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۳). در روایتی دیگر، از اردبیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آذربایجان نام برده شده است (ابن طاهر، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۰۲). اردبیل در برهه‌هایی از تاریخ به‌عنوان مرکز ایالت آذربایجان و پایتخت آن به شمار می‌رفته است. نوشته‌های این جغرافیدانان نشان می‌دهد که اردبیل این مرکزیت را در دوره‌های پیش از اسلام (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۱۲۴؛ حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲) و هم در دوره‌هایی از تاریخ ایران بعد از اسلام داشت (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۵۵). در مقابل، پاره‌ای از منابع و روایت‌ها از اردبیل به‌عنوان یک روستا نام برده‌اند (ابن نجیب، ۱۳۴۲: ۶۷؛ ابن طباطبا، ۱۳۷۲: ۴۴۶). مقدسی نیز ضمن اینکه اردبیل را مرکز سرزمین آذربایجان می‌داند، آن را به‌عنوان روستای آذربایجان معرفی کرده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۰). مؤلفی ناشناخته، در این باره معتقد است: «اردویل - قصبه آذربادگانست» (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۵۸). نکته‌ای که در این مطلب جلب توجه می‌کند، واژه‌های «اردویل» و «آذربادگان» است که نام‌های کهن اردبیل و آذربایجان امروزی بوده است. به نظر می‌رسد اردبیل در سرزمین آذربایجان در هر جایگاهی که بوده است، از جمله مهم‌ترین شهرهای آذربایجان در دوره پیش از اسلام و خصوصاً در دوره ایران اسلامی به شمار می‌رفته است و همان‌گونه که ابن حوقل می‌گوید: بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر در آذربایجان، اردبیل است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳) دیگر جغرافیدانان جهان اسلام نیز هم‌نظر با اصطخری هستند که می‌گویند: «بزرگ‌تر شهری در آذربایگان اردویل است» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵).

قزوینی به توصیف بیشتر اردبیل پرداخته است؛ اردبیل یکی از شهرهای آذربایجان است که این شهر در صحرایی قرار گرفته که از هر چهار طرف، این صحرا را کوه احاطه کرده است و فاصله شهر تا این کوه‌ها سه فرسنگ است. این شهر در دو منزلی دریای خزر واقع شده و بیشه‌ای نیز در نزدیکی اردبیل قرار دارد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹). توابع و

آبادی‌های اردبیل از دیگر مطالبی است که در کتاب‌های جغرافیایی به آن اشاره شده است. در کنار منابعی که نشان می‌دهند اردبیل دارای روستا بوده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵)، در کتاب *صورة الارض*، درباره توابع اردبیل چنین آمده است: «دوسوم در دوسوم فرسخ وسعت توابع آن می‌باشد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳). در جای دیگر درباره آبادی‌های آن آمده است که اردبیل صد آبادی دارد که همه آن‌ها سردسیر است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸) مقدسی هم مناطق رسبه، تبریز، جابروان، میانج، سرات، ورثان، موقان، میمد و برزند را به‌عنوان زیرمجموعه‌ها و توابع اردبیل نام برده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۳). در یکی دیگر از منابع جغرافیایی، آمده است که تومان اردبیل دارای دو شهر اردبیل و خلخال بوده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

جغرافیای طبیعی اردبیل

منابع جغرافیایی جهان اسلام، اوضاع طبیعی اردبیل را معمولاً با محوریت سه جنبه: آب‌وهوا، محصولات باغی و منابع آبی از قبیل رودها و رودخانه‌ها مورد توصیف و بررسی قرار داده‌اند. آب‌وهوای اردبیل یکی از مهم‌ترین جنبه‌های طبیعی این منطقه به شمار می‌رفته است که در کتب مختلف جغرافیایی به این مبحث پرداخته شده است؛ در کتاب *نزهة القلوب* در رابطه با هوای اردبیل آمده است که شهر اردبیل به دلیل اینکه در دامنه کوه سبلان قرار گرفته است، هوایش در نهایت سردی است و سردی هوا در این منطقه به حدی زیاد است که وقتی مردم این شهر در یک سال گندم درو می‌کنند، نمی‌توانند همه آن گندم‌ها را به‌طور کامل آرد کنند و این موجب می‌شود که گندم‌ها تا سال بعدی باقی بمانند؛ همچنین در این کتاب آمده است که آب اردبیل از کوه سبلان جاری می‌شده است که آب بسیار گوارایی بوده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸). در آثار البلاد و اخبار العباد نیز اردبیل به‌عنوان شهری که آب زیاد و هوایی سردسیر دارد معرفی شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹). ابن فقیه نیز، اردبیل را به‌عنوان یکی از سردترین نقاط ایران معرفی کرده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۴).

در کنار آب‌وهوا، وضعیت میوه‌جات اردبیل هم مورد توجه جغرافیدانان جهان اسلام بوده است؛ حموی می‌گوید: شهر اردبیل حتی یک درخت میوه هم ندارد و هم در داخل شهر و هم در خارج شهر و پیرامون آن درختی دیده نمی‌شود و اگر درختی بکارند یا نهالی در زمین قرار دهند رشد نمی‌کند و این با توجه به هوای خوب، آب گوارا و زمین حاصلخیز اردبیل، از شگفتی‌ها به حساب می‌آید؛ حموی همچنین خاطر نشان می‌کند که از مناطق اطراف و پشت کوه (سبلان) بافاصله‌ای حدود یک روز، میوه‌جات به شهر اردبیل می‌آورند (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲). حموی در جای دیگری می‌گوید شهرک «انار» که یکی از شهرک‌های پر آب و باغ آذربایجان است و در هفت فرسنگی اردبیل قرار دارد، منطقه‌ای است که بیشتر میوه اردبیل از آنجا آورده می‌شود (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۲۷) در منابع جغرافیایی دیگر نیز آمده است که اردبیل، باغ کمی دارد و درخت میوه در آنجا کمتر رشد می‌کند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹) اما در

مقابل، روایتی نیز وجود دارد که می‌گوید: باغ و بستان‌های دنیا در پنج منطقه قرار دارد که اردبیل را در کنار مناطق ابله، سیراف، عمان و هست، از این مناطق معرفی کرده است (ابن طباطبا، ۱۳۷۲: ۴۴۵). در آثار البلاد و اخبار العباد نیز آمده است که میوه‌های گیلاس و گلابی، در اردبیل به‌خوبی یافت می‌شود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۵۰).

سومین مبحث در بررسی جغرافیای طبیعی اردبیل، منابع آبی این شهر یعنی رودها و رودخانه‌ها است. چون این شهر با هیچ دریایی ارتباط مستقیم نداشته است و برخی منابع فاصله این شهر تا دریا را دو روز راه بیان کرده‌اند (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲)، اما مسعودی این فاصله را سه روز بیان کرده است (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۸۰). در معجم البلدان، ضمن اینکه اردبیل یک شهر بزرگ و دارای زمینی گسترده معرفی می‌شود، بیان شده است که چند رود پر آب در داخل و خارج شهر اردبیل روان است (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲) و در مسالک و ممالک نیز به جاری بودن رودهای بسیاری در داخل و خارج اردبیل اشاره شده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۴). یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رودخانه‌های نزدیک اردبیل که در اکثر منابع جغرافیایی جهان اسلام به آن اشاره شده است، رودخانه سفیدرود یا سپیدرود می‌باشد که به‌عنوان یک رودخانه مهم در بررسی جغرافیای طبیعی اردبیل شناخته می‌شود (ابن نجیب، ۱۳۴۲: ۵۱؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۹۲).

جغرافیای فرهنگی - اجتماعی اردبیل

جغرافیای فرهنگی - اجتماعی اردبیل از دو حیث ساختار شهری و صفات مردمی این منطقه، مورد بررسی و تحلیل جغرافیدانان قرار گرفته است. ساختار شهری اردبیل از جنبه‌های گوناگونی مانند نظافت شهری و نحوه ساختمان‌سازی، مورد بررسی قرار گرفته است. در بین منابع موجود، مقدسی توصیف گسترده‌ای از ساختار شهری اردبیل داشته و ساختار شهری اردبیل را این‌گونه توصیف کرده است: مسجد جامع اردبیل در میان یک چهارراه و در بالای تپه‌ای قرار گرفته است؛ این شهر حصاری دارد که پشت آن محل زندگی مردم می‌باشد و بیشتر ساختمان‌های اردبیل را از گل ساخته‌اند که داشتن نورگیر از جمله ویژگی‌های این ساختمان‌ها به حساب می‌آید؛ این شهر میوه زیادی دارد اما آلودگی و آشغال در آن زیاد است؛ این شهر خوبی‌های زیادی دارد و آب‌های روان و گرمابه‌های پاکیزه و تمیزی در آن وجود دارد اما در شهر به‌طور وحشتناکی بوی بد می‌آید و از لحاظ بهداشتی و نظافت به قدری ضعیف است که بادید یکی از کثیف‌ترین نقاط جهان به آن می‌نگرند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۰). حموی نیز همانند مقدسی، شهر اردبیل را به‌عنوان یکی از کثیف‌ترین شهرهای جهان معرفی کرده است (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۲). این توصیف‌ها نشان‌دهنده نبود بهداشت در شهر اردبیل و آلودگی این شهر در ادوار تاریخی گذشته بوده است. مقدسی در جای دیگری، شهر اردبیل را بر پایه آلودگی آن با دیگر مناطق مورد بررسی قرار داده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۱۶) در روایت‌های دیگری

به زیاد بودن موش در اردبیل اشاره شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹) که معمولاً زیاد بودن موش در یک منطقه یا شهر، نشان‌دهنده آلودگی و نبود بهداشت در آن شهر است.

جدای از مسئله نظافت شهری که از جمله مصادیق مهم فرهنگی - اجتماعی یک منطقه می‌باشد، نحوه ساختمان‌های یک شهر نیز از جمله وجه‌های مهم در بررسی ساختار شهری یک منطقه هست که پیش‌تر، گزارش مقدسی مبنی بر گلی بودن ساختمان‌های اردبیل و داشتن نورگیر، بیان شد؛ مقدسی علاوه بر موارد مذکور، ویژگی دیگر خانه‌ها و ساختمان‌های اردبیل را این‌گونه بیان می‌کند: «بیشتر خانه‌ها را زیرزمین ساخته‌اند» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۵۵) البته با توجه به اینکه این جمله دارای علائم نگارشی نیست، دو معنی متفاوت از آن دریافت می‌شود؛ اولین معنی دریافتی این است که بیشتر خانه‌های اردبیل در سطح زمین ساخته می‌شدند و علاوه بر محیط اصلی خانه، برای خانه‌ها، زیرزمین نیز ساخته می‌شده است و دومین معنی دریافتی از این جمله این است که بیشتر خانه‌های اردبیل را کلاً در زیرزمین می‌ساخته‌اند. به‌رحال از این جمله هر مفهومی برداشت شود، نشان‌دهنده این موضوع است که مردم اردبیل در گذشته‌های تاریخی، به فضای زیرزمین نیز توجه داشته‌اند و ساختن خانه‌های خود را فقط به سطح زمین محدود نمی‌کرده‌اند. در کتاب صوره الارض نیز آمده است که ساختمان‌ها و بناهای شهر اردبیل در اکثر اوقات از گل و آجر ساخته می‌شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳).

خصوصیات و صفات مردم اردبیل، موضوع دیگری است که برای بررسی شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جغرافیای تاریخی اردبیل اهمیت زیادی دارد. یعقوبی، اهالی شهرهای آذربایجان که اردبیل نیز یکی از مهم‌ترین شهرهای این منطقه به شمار می‌رود را مردمی به هم‌آمیخته از ایرانی‌های نژاد آذریه و جاودانیه عنوان کرده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶ - ۴۷) همچنین آمده است که مردم شهر اردبیل با زبان ارمنی نیز آشنا بوده‌اند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۰).

حموی، بسیاری از دانشمندان رشته‌های مختلف علمی را به شهر اردبیل نسبت داده است (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۳)؛ اما روایت‌های بعدی که از مردم اردبیل ارائه شده است، این گفته حموی را زیر سؤال می‌برد؛ چراکه اغلب منابع جغرافیایی، توصیف مناسبی از مردم اردبیل ارائه نکرده‌اند. در توصیف رفتار و صفات مردم اردبیل، وقتی به نوشته‌های مقدسی می‌پردازیم، با این مطالب مواجه می‌شویم که مردم اردبیل خسیس و بی‌رحم بوده‌اند، اهل خرد و افراد حکیم در این شهر کمتر بوده است، مردم اردبیل حيله‌گر، ناآگاه و عاقبت‌نیندیش بوده و نسبت به دین و مذهب دیگران تسامح و تساهل نداشته‌اند؛ همچنین اظهار شده است که پند دهندگان این شهر عالم نبوده‌اند، بزرگ این شهر از اعتبار و شرافت برخوردار نبوده است، قاضی‌های این شهر سخن‌شناس نبوده و پزشکان نیز ماهر و باتجربه نبوده‌اند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۰ - ۵۶۱). ابن حوقل، علاوه بر اینکه به مردم اردبیل صفت «عیاری» می‌دهد، می‌گوید که مردم این شهر در راهزنی و نافرمانی تا حدی پیش رفته بودند که دیگر از حاکم وقت هیچ ترسی نداشتند و با پیروی از شیطان، اموال

مسافران را همواره غارت می‌کردند و آنان را می‌کشتند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳). یکی از صفات رایجی که در این منابع به مردم اردبیل نسبت داده شده است، صفت بخیل بودن است، به گونه‌ای که ابن فقیه مردم اردبیل را در کنار هشت منطقه دیگر به عنوان بخیل‌ترین مردمان برمی‌شمرد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۵) مقدسی نیز این روایت را با کمی تغییر آورده است و مردم هشت منطقه را به عنوان بخیل‌ترین مردمان معرفی می‌کند که اردبیل نیز جزو این هشت منطقه است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۳۷۳) در کتاب عجایب المخلوقات نیز شهر اردبیل در کنار شهرهای خراسان، اصفهان و شیراز، به عنوان یکی از شهرهای بخیل یاد شده است (طوسی، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

دیگر صفتی که در منابع جغرافیایی، برای مردم اردبیل ذکر شده است، پُرخوری و شکم‌بارگی است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۵۰). کتاب نزهة القلوب نیز مردم اردبیل را ضمن اینکه پیرو مذهب شافعی معرفی کرده است، آنان را پُرخور و شکم‌باره نیز توصیف کرده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

علاوه بر مواردی که گفته شد، روایت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم اردبیل دارای اعتقادات جالبی بوده و برخی چیزها را مقدس می‌پنداشته‌اند؛ به طور مثال مقدسی می‌گوید که در مسجد جامع اردبیل سنگ بزرگی وجود دارد که چکش بزرگ فولادین نیز نمی‌تواند آن را بشکند؛ مقدسی درباره این سنگ از خادم مسجد شنیده است: ما در نزدیکی شهر اردبیل در حال راه رفتن بودیم که ناگهان در آسمان چیزی مانند سپری بزرگ دیدیم که داشت به سمت زمین می‌آمد و چون بر زمین افتاد، دیدیم که سنگ بزرگی است؛ سپس مردم اردبیل آن سنگ را به درون مسجد جامع آورده و در آنجا قرار داده‌اند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۶) در روایت دیگر، قزوینی به نقل از ابو حامد اندلسی گفته است: سنگی در خارج شهر اردبیل «به وزن دویست من» وجود دارد که وقتی باران کم می‌شود، مردم اردبیل آن سنگ را «به عراده‌ها بار کرده» و به داخل شهر می‌آورند؛ تا زمانی که سنگ در شهر است، باران می‌بارد و هر زمان که این سنگ را از شهر بیرون می‌برند باران قطع می‌شود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹) این روایت‌ها خبر از اعتقادات خاص مردم اردبیل در گذشته‌های دور می‌دهند که نمی‌توان به راحتی در خصوص درستی یا نادرستی این عقاید اظهار نظر کرد.

جغرافیای اقتصادی اردبیل

در زمینه شرایط اقتصادی حاکم بر اردبیل، مطالب متنوع و زیادی در منابع جغرافیایی جهان اسلام به چشم می‌خورد؛ در کتاب صوره الارض، شرایط اقتصادی اردبیل چنین توصیف شده است که اردبیل شهری پرنعمت است و نرخ قیمت‌ها در این شهر پایین و ارزان است؛ در اردبیل بیشتر اوقات نان را به عدد می‌فروشند که قیمت آن به ازای هر پنجاه قرص نان، یک درهم است؛ گوشت را نیز در اردبیل با واحد وزن «من» می‌فروشند که قیمت هر «یک من و نیم» آن یک درهم می‌باشد. همچنین آمده است که عسل، روغن گردو، کشمش و همه خوراکی‌ها در اردبیل به قدری ارزان هستند که رایگان به حساب می‌آیند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳ - ۸۴). اصطخری نیز در روایت خود، اردبیل را منطقه‌ای پرنعمت معرفی می‌کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵). مقدسی در توصیف شکل بازارهای اردبیل گفته است که بازارهای

این شهر به شکل صلیبی بوده و در چهارراه‌ها ساخته می‌شده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۰). موضوع قابل اشاره دیگر در جغرافیای اقتصادی اردبیل، فعالیت‌های کشاورزی است که در منابع جغرافیایی، نوشته‌ای که از وجود کشاورزی در شهر اردبیل خبر دهد، وجود ندارد و تنها در نوشته‌های مقدسی به کشاورزی اشاره شده است که آن هم فقط مربوط به روستاهای اردبیل می‌باشد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۷).

باینکه در منابع اشاره‌ای به وجود فعالیت کشاورزی در شهر اردبیل نشده است، اما روایت‌های فراوانی وجود دارند که از فعالیت‌های تولیدی در شهر اردبیل خبر می‌دهند؛ یکی از این فعالیت‌های تولیدی ساخت بشقاب و سینی است که حموی آن را این‌گونه توصیف می‌کند: از جنگل‌های اردبیل نوعی چوب آورده می‌شود که با تراش دادن آن چوب، سینی و بشقاب‌هایی موسوم به «خلنج» می‌سازند که هنرمندان زیادی در شهر اردبیل مشغول ساختن و یا تعمیر این بشقاب و سینی‌ها می‌باشند (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۲). روایت دیگری نیز خبر از ساخت سینی و کاسه چوبی در اردبیل می‌دهد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹). منبع دیگری خبر از وجود جام‌های رنگین در اردبیل می‌دهد (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۵۸). این روایت‌ها نشان‌دهنده این موضوع می‌باشند که اقتصاد شهر اردبیل بیشتر از آن‌که بر پایه کشاورزی باشد، بر محوریت صنایع دستی بود.

در کتاب صوره الارض روایتی مبنی بر صادرات ماهی به اردبیل وجود دارد که می‌گوید: از ورثان که منطقه‌ای واقع بر رود ارس بوده است، به اردبیل، ری و عراق ماهی ارسال می‌کردند و این به دلیل دل‌چسب بودن و لذیذ بودن ماهی در نزد مردمان این مناطق بوده است؛ سپس آمده است که در این شهرها مردم و خصوصاً بازرگانان، به رسم هدیه، به دوستان خود ماهی می‌برده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۷).

اردبیل به علت مجاورت با قفقاز از مناطق مهم تجاری به شمار می‌رفت و بازارهای پررونقی داشت؛ در منابع جغرافیایی، از معامله و خرید و فروش در بازارهای اردبیل سخن به میان آمده است، اما به نیرنگ بازی و حقه‌های فروشندگان اردبیلی هم اشاره شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۹ - ۳۵۰). در روایت دیگری بر رونق تجارت این شهر در گذشته اشاره شده، اما نویسنده، نیرنگ‌بازی‌ها را عامل از دست رفتن تجارت شهر بیان کرده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳). روایت دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که از صحیح بودن روایت ابن حوقل خبر می‌دهد؛ چراکه آمده است: اردبیل، شهر بسیار پر نعمتی بود که بعدها از نعمت و آبادانی آن کاسته شد (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

از دیگر مباحث مهم اقتصادی که در کتب جغرافیایی، مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفته است، واحد وزن در اردبیل است. ابن حوقل می‌گوید که در محاسبه وزن، از کلمه «من» استفاده می‌شده است که دو نوع بزرگ و کوچک داشته است؛ «من» بزرگ، «رطل» اردبیل بود که وزن آن چهل و یک درهم بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۶۷). اصطخری هم در اندازه‌گیری واحد وزن از کلمه «سنگ» استفاده کرده است و آن را همانند ابن حوقل، دارای دو نوع بزرگ و کوچک

دانسته است که «سنگ» اردبیل را «سنگ» بزرگ دانسته و وزن آن را هزار و چهل درهم بیان کرده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۵). حموی نیز در بیان واحد وزن اردبیل از کلمه «رطل» استفاده کرده و «رطل» شهر اردبیل را هزار و چهل درهم معرفی می‌کند (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۳). ابن حوقل، در بیان واحد وزن اردبیل از کلمه «من» استفاده می‌کند و «من» اردبیل را هزار و دویست درهم بیان می‌کند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۷).

جغرافیای سیاسی- نظامی اردبیل

اردبیل در نقطه اتصال ایران به قفقاز قرار داشت، بنابراین از نظر نظامی و دفاعی حائز اهمیت فراوانی بود و در برابر حملات مهاجمان قفقازی از قبیل خزرها و سپس گرجی‌ها آسیب‌پذیر بود. در توصیف شرایط سیاسی و نظامی شهر اردبیل، یکی از مواردی که مورد توجه جغرافیدانان جهان اسلام بوده است و به آن اشاره کرده‌اند، نوع تدابیر دفاعی مردم اردبیل در برابر تهاجمات بوده است؛ شهر اردبیل، شهر بزرگی بوده است که حصاری گرد در اطراف این شهر وجود داشته است (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۵۸). در روایتی دیگر، علاوه بر اینکه شهر اردبیل را دارای دیوار و حصار در اطراف آن توصیف کرده، از وجود چهار دروازه در این شهر خبر می‌دهد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵). این تعداد دروازه، بیانگر بزرگی و عظمت شهر اردبیل در گذشته است. مقدسی ضمن بیان این مطلب که شهر اردبیل، حصار بازدارنده داشته، از وجود یک سپاه منظم در اردبیل نیز خبر می‌دهد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۶۰). روایت‌های مشابه نیز نشان می‌دهند که شهر اردبیل چون به‌عنوان پایتخت آذربایجان، نقش مهمی در منطقه داشته است، به همین خاطر، از این شهر با برج و بارو، محافظت می‌شده است و مردم این شهر، مردمی دلاور و پرتوان بوده که مجهز به انواع جنگ‌افزارها بوده‌اند (مسکویه رازی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۳). ابن حوقل نیز بیان می‌کند که شهر اردبیل حصار استوار و پایدار داشته که این حصار در سال ۳۳۳ هجری قمری به دست «مرزبان بن محمد بن مسافر سالار» ویران شده است؛ ابن حوقل در این خصوص شرح می‌دهد: مردم اردبیل در سال ۳۳۱ هجری قمری، «دیسم بن شاذلویه» را به شهر اردبیل راه نمی‌دهند که این سبب می‌شود «مرزبان بن محمد بن مسافر سالار» دستور به ویرانی حصار اردبیل دهد و حتی شهر اردبیل را نیز ویران کند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳).

از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی اردبیل که در کتب جغرافیایی به‌صورت گسترده بیان شده است، این است که اردبیل در گذشته، به‌عنوان مرکز سیاسی منطقه آذربایجان، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ چراکه شهر اردبیل، مقر فرمانداری ایالت آذربایجان بوده و دوایر دولتی و اردوگاه لشکریان این ایالت، در شهر اردبیل قرار داشت (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۳). ابن حوقل درجایی دیگر از عنوان «دارالاماره» برای اردبیل استفاده می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۹۰). اصطخری نیز اردبیل را به‌عنوان مقر فرماندهی آذربایجان معرفی کرده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۵). در کتاب

جغرافیایی دیگر آمده است که اردبیل «مستقر ملوک آذربادگانست» (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

منابع جغرافیایی و تاریخی جهان اسلام، در کنار بیان موقعیت سیاسی و نظامی اردبیل، به مهم‌ترین حوادث سیاسی این منطقه نیز اشاره کرده‌اند که فتح منطقه آذربایجان و اردبیل به دست اعراب مسلمان مهم‌ترین آن است. هم‌زمان با حملات اعراب به مرزهای ایران، فرخ هرمزد در آذربایجان به مرکزیت اردبیل حکومت می‌کرد، اما پس از قتل وی به دست آذرمیدخت، پسرش رستم و بعد از وی هم دیگر پسران فرخ هرمزد حکومت این ناحیه را به دست گرفتند (مارکوارت، ۱۳۷۲: ۲۱۳، ۲۱۶؛ کریستن سن، ۱۳۷۹: ۶۴۹). از رستم سردار بزرگ ایران در جنگ قادسیه، با لقب «آذری» یاد شده است که به آذربایجانی بودن وی اشاره دارد (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۶۰). با نقد و بررسی روایات منابع اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که اردبیل مرکز ایالت آذربایجان در سال ۲۲ هجری به دست فاتحان مسلمان به فرماندهی حذیفه بن یمان فتح شد و مردم آذربایجان در قبال امنیت جانی و مالی متعهد شدند که سالانه هشتصد هزار درهم به اعراب مسلمان پرداخت کنند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۵۷ - ۴۵۸؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۰۹۲؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۰۸؛ یعقوبی، ۲۵۳۶: ۴۷). در دوره حکومت اشعث بن قیس در آذربایجان (۲۵-۳۶ هـ.ق)، مردم اردبیل به‌مرور مسلمان شدند و کار فتح آذربایجان تکمیل شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۶-۱۶۷؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۱۷۲).

گزارش‌های مختلف دیگری نیز درباره اردبیل وجود دارند که ضمن این‌که خبر از فعالیت خوارج در زمان خلافت مروان بن حکم در اردبیل می‌دهند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۰۰)، به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که تعداد زیادی از نوادگان علی بن ابی‌طالب (ع) به شهر اردبیل نقل مکان کرده و در این شهر ساکن شده‌اند (ابن طباطبا، ۱۳۷۲: ۸۱). علاوه بر این موارد، بابک خرم‌دین که قیامش بر علیه خلافت عباسی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی جهان اسلام به حساب می‌آید، از مردم اردبیل بوده است، چراکه گزارش شده است روستای «خرم» که محل زندگی «خرمیان» بوده و بابک خرم‌دین از این روستا برخاسته و علیه خلافت عباسی قیام کرد، از روستاهای اردبیل بوده است (حموی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۸۵ - ۲۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

شهر اردبیل یکی از قدیمی‌ترین شهرهای آذربایجان است و نه‌تنها در دوره‌های پیش از اسلام، بلکه در دوره‌های بعد از اسلام نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای منطقه آذربایجان به حساب می‌آمده و نقش مرکزیت را در منطقه آذربایجان ایفا می‌کرده است؛ همچنین با بررسی شرایط طبیعی حاکم بر اردبیل از قبیل آب‌وهوا و منابع آبی، مشخص گردید که نوع آب‌وهوای غالب در اردبیل که آب‌وهوایی سرد و خشک بوده و این منطقه را به یکی از سردترین نقاط ایران تبدیل کرده بوده است، بر جنبه‌های مختلف زندگی در این شهر تأثیر گذاشته و نقش مهمی در

میزان بهره‌دهی باغ‌ها و مزارع این منطقه داشته است؛ همچنین بیان شد که منابع آبی شهر اردبیل نیز از طریق رودخانه‌هایی که در داخل و خارج این شهر جاری بوده تأمین می‌شده است.

بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهر اردبیل، در کنار این‌که از نحوه ساختمان‌سازی و ویژگی خانه‌های اردبیل خبر داد، نشان‌دهنده این بود که شهر اردبیل از لحاظ پاکیزگی و نظافت، در سطح بسیار پایینی قرار داشته و خلق‌وخوی که مردم این شهر داشته‌اند، چندان موردقبول جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران جهان اسلام نبوده و توصیفات مناسبی از خلق‌وخوی مردم اردبیل و وضعیت اجتماعی آن‌ها بیان‌نشده است که به طبع آن، این خلق‌وخوی منفی، سبب شده بود تا وضعیت اقتصادی آن نیز تحت تأثیر قرار بگیرد.

در بررسی و تحلیل جغرافیای سیاسی این شهر، مشخص گردید که شهر اردبیل در اوایل دوره اسلامی، مرکز سیاسی منطقه آذربایجان بوده و فرمانداری ایالت آذربایجان، ادارات، خزانه و اردوگاه لشکریان این منطقه، همه مستقر در شهر اردبیل بوده‌اند و خراج منطقه آذربایجان نیز به اردبیل فرستاده می‌شده است که این مرکزیت سیاسی اردبیل در منطقه آذربایجان سبب شده بود تا در حوادث سیاسی مهم جهان اسلام، نظیر فتوحات اعراب مسلمان در منطقه آذربایجان، این شهر از اهمیت بالایی برخوردار باشد و نقشی کلیدی ایفا کند.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن العبری، گرگوریوس، ابوالفرج. (۱۳۷۷). *مختصر تاریخ الدول*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن جعفر، قدامه. (۱۳۷۰). *کتاب الخراج*. ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران: البرز.
- ابن حوقل، محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خرداد به، ابوالقاسم عبیدالله. (۱۳۷۱). *مسالك و ممالک*. ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل.
- ابن رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن طباطبا، ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر. (۱۳۷۲). *مهاجران آل ابوطالب*. ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اصطخری، ابو اسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهان‌ی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و پادشاهان*. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آقازاده، جعفر. (۱۴۰۲). *جغرافیای تاریخی ماکو*. فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۳۴۹-۳۶۸.
- بکران، محمد بن نجیب. (۱۳۴۲). *جهان نامه*. به کوشش محمدامین ریاحی، تهران: ابن‌سینا.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. (۱۳۳۷). *فتوح البلدان*. ترجمه و مقدمه محمد توکل، تهران: نقره.

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*. مقدمه و تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران: بنیان.

حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

حموی بغدادی، یاقوت. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

خلیفه بن خیاط. (۱۴۱۴ ق). *تاریخ خلیفه بن خیاط*. حقه و قدم له سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. (۱۳۷۱). *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.

صفری، بابا. (۱۳۷۰). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

طوسی، محمد بن محمود بن احمد. (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.

عظیمیان، زیبا. (۱۳۹۳). *حیات سیاسی و فرهنگی اردبیل از شیخ صفی تا شاه تهماسب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۷۹). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

مارکوارت، یوزف. (۱۳۷۲). *ایران شهر*. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۸۱). *نزه القلوب*. تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین: حدیث امروز.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۷۴). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۷۶). *تجارت الامم*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۸۵). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: کوشش.

نجفی نژاد، سعید. (۱۳۹۷). *اردبیل شهر مقدس صفویان*. فصلنامه تاریخ، شماره ۵۱، ص ۸۸-۱۱۳.

نوری، صیاد. (۱۳۹۷). *سیری در تاریخ کهن شهر اردبیل*. اردبیل: نگین سبلان.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۲۵۳۶). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.